



مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

گفتگو با

شیرین عبادی؛ متخصص حقوق کودکان و برنده نوبل صلح

اعدام کودکان هم برای دولت

ایران و هم برای یونیسف

زنگ آور است





مرکز عدالت
برای کودکان و نوجوانان

گفتگو با

شیرین عبادی؛ متخصص حقوق کودکان و برنده نوبل صلح

اعدام کودکان هم برای دولت

ایران و هم برای یونیسف

ننگ آور است

مقدمه

«اعدام کودکان مطابق ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک ممنوع است» براساس این حکم قانونی «هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسانی قرار گیرد. مجازات اعدام و یا حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر هجده سال اعمال کرد.» با این وجود و به رغم پذیرش کنوانسیون حقوق کودک توسط جمهوری اسلامی ایران، اما کماکان مجازات اعدام کودکان در ایران لغو نشده هرچند طی سال‌های گذشته محدودیت‌هایی برای اعدام کودکان ایجاد و راه‌گریزی برای قضاوت باز شده تا آنها مجازات‌های دیگری را برای کودکانی که مرتکب قتل شده‌اند در نظر گیرند.

یکی از اولین حقوق‌دانانی که به اعدام کودکان در ایران اعتراض و نسبت به ترویج حقوق کودکان تلاش‌های گسترده‌ای انجام داد، خانم شیرین عبادی بود. او بیش از ۴ دهه برای استیفای حقوق کودکان در ایران تلاش کرده و امیدوار است روزی بساط اعدام کودکان در ایران برچیده شود.

خانم شیرین عبادی متخصص حقوق کودکان و برنده نوبل صلح، در گفتگو با مرکز عدالت برای کودکان، اعدام کودکان تحت عنوان قصاص را غیرانسانی و ظالمانه می‌خواند و معتقد است به هر شکل باید به این حکم اعتراض کرد تا حکومت مجبور شود بساط حکم اعدام کودکان را برچیند.

خانم عبادی! تا آنجا که من در خاطر دارم شما اولین حقوقدانی هستید که مساله حقوق کودکان را در ایران به طور جدی مطرح و پیگیری کردید و به حق شما را باید پیشکشوت ممتاز حقوق کودکان تلقی کرد. من مایلیم بحث را با این پرسش آغاز کنم که چرا تا این حد روی این حوزه تمرکز کردید، حقوق کودکان و مسئله اعدام کودکان به صورت مشخص، چرا اینقدر برای تان یک دغدغه جدی ایجاد کرده؟

خانم شیرین عبادی:

من سالها قبل زمانی که قاضی بودم، مدتی حدود یک سال قاضی دادگاه اطفال بودم. قوانین آن موقع در حوزه کودکان خیلی بهتر از الان بود. به عنوان مثال هرگز در مورد افراد کمتر از ۱۸ سال نه تنها اعدام صادر نمی‌شد بلکه حبس طویل‌المدت هم نبود، حداکثر ۵ سال حبس بود.

به هر حال قوانین خیلی بهتر بود و کانون اصلاح تربیت هم آن زمان افتتاح شده بود. من یادم هست به عنوان قاضی هفته‌ای یک روز می‌رفتم در کانون و در آنجا اطفال زندانی را به جای اینکه با دستبند و به این صورت مشمئزکننده بیاورند دادگستری، قاضی می‌رفت آنجا، بعد که شغل‌ام بالاتر رفت و شدم رئیس دادگاه، دیگه کارم تمام حقوقی بود. این گذشت تا اینکه من بعد از انقلاب شغل‌ام را از دست دادم و خودم را بازنشسته کردم، فراغتی دست داد، ضمن اینکه در روزنامه یک خبر خواندم که نوشته بودند سال آینده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون در زمینه حقوق کودکان تصویب خواهد شد. من قبلاً به خاطر سوابقی که داشتم با اعلامیه جهانی حقوق کودک کاملاً آشنا بودم. بنابراین بعد از خواندن این خبر، این در ذهن من کلید خورد که ما اصلاً یک کتاب راجع به حقوق کودک نداریم، اصلاً حقوق کودک در اینجا شناخته شده نیست. چرا در ایران صحبتی در خصوص کنوانسیون حقوق کودک مطرح نیست؟ در پی این پرسش، من شروع کردم به نوشتن این کتاب. خیلی جالبه که این کتاب را اول به یک کتابفروشی معتبر، که کتاب‌های حقوقی چاپ می‌کرد دادم، اما آن موقع کتاب را چاپ نکرد. گفت بده بخوانم و حدود ده روز بعد گفت ما این را چاپ نمی‌کنیم. بعدها این شخص به من گفت که این کتاب را به یکی از مهم‌ترین اساتید حقوق البته حقوق مدنی داده بود و گفته بود اظهار نظر کند که به درد چاپ می‌خورد یا نه؟ او در جواب گفته بود که اصلاً حقوق کودک یعنی چی؟ ما حقوق کودک نداریم. این یا حقوق خانواده است یا حقوق مجازات و

بعد متوجه شدم که حتی استاد عالیقدری مانند ایشان که خود من افتخار شاگردی اش را داشتم نمی‌فهمد حقوق کودک چیست، از مردم چه توقعی می‌شود داشت. بنابراین من یک مقدمه برای کتابم نوشتم تا توضیح دهم منظور از حقوق کودک چیست و به زبان خیلی ساده شرح دادم که منظور از حقوق کودک قوانینی است که سن کودکان در آن مدخلیت دارد به عنوان مثال یک پدری فوت می‌کند و میزان سهم الارث اش فرق نمی‌کند این بچه دو سالش باشد یا ۲۰ سالش باشد، سهم الارث اش همان است اما اگر دو سالش باشد یک مقررات خاصی برای اداره آن سهم الارث هست، اگر بیست سالش باشد یک جور دیگر باید اداره کند، پس بنابراین این نقطه، نقطه‌ای است که سن افراد در تغییر قوانین و تغییر وضعیت‌شان مدخلیت دارد و من این را شرح دادم که این بار بفهمند هرچند مرا خیلی مایوس کرده بود.

یکی از دوستانم که قاضی دادگستری بود گفت من با رئیس چاپخانه دادگستری آشنا هستم، کتابت را به او بده، گفتم که تا به حال سابقه نداشته که کتاب حقوقی چاپ کنند. گفت که، آن البته قبل از انقلاب بود بعد از انقلاب همه کارها را قر و قاطی انجام می‌دهند، گفتم ولیکن تا الان هنوز نشده، گفت تو به من بده ببینم می‌شود یا نه. این را داده بود دست آن شخص که من حالا ذکر خیری هم از او بکنم، یک حاج آقای بود اگر اشتباه نکنم اسمش مرتضوی بود. بعد از ده-پانزده روز رفتم، بنده را احضار کرده بودند، رفتم، یک نگاهی به سرتاپای من کرد و گفت کتابت خوب است ما هزار نسخه توسط چاپخانه روزنامه رسمی کشور چاپ می‌کنیم اما یادت باشد ما پول نمی‌دهیم، ما ۳۰-۴۰ نسخه، حالا دقیقش یادم نیست، در همین حد بهت می‌دهیم، تو این را خواستی ببر و بفروش و پولت را در بیاور، من هم که اصلاً پول واقعاً در قبال کار مسئله‌ای نبود برای اینکه کسانی که کتاب چاپ می‌کند می‌دانند یعنی چی، به هر حال گفتم چشم. به ۳ ماه نکشید این کتاب تمام شد و خیلی سر و صدا کرد. تا آن موقع مسئله‌ای به نام حقوق کودک مطرح نبود و این آغاز یک سلسله تحولات دیگری شد که اگر بخواهم بقیه داستان کتاب حقوق کودک را بگویم به درازا می‌کشد ولیکن آن زمان اساساً کسی نمی‌دانست حقوق کودک یعنی چه؟ این کتاب بعدها از طرف یونیسف ایران به انگلیسی چاپ و فروخته شد که مجلدات متعددی از آن چاپ شد، چندین بار چاپ شد و تا آنجایی که من می‌دانم، و در ایران بودم یک کتاب پرتعدادی بود حالا مسلماً بعد از خروج من و این داستان‌ها اجازه نخواهند داد که چاپ شود.

بخش دوم سوالم راجع به مسئله اعدام کودکان بود و اینکه چرا این موضوع آنقدر اهمیت دارد، یعنی لغو مجازات اعدام کودکان به لحاظ حقوقی و به لحاظ اخلاقی، این مسئله اهمیتش به چی بوده برای شما؟

خانم شیرین عبادی:

ببینید، حتی کشورهایی که مجازات اعدام دارند آن را برای کودکان روا نمی‌دارند، در دنیا سه یا حداکثر چهار کشور بیشتر نیستند که این مجازات را دارند آنها هم به تدریج دارند اجرای آن را متوقف می‌کنند، هرچند قانون آن هنوز پابرجاست. به دلالت عقلی نبایستی مجازات مرگ در مورد کودکان اجرا شود، برای اینکه وقتی ما می‌گوییم کودک، یعنی هنوز از جهت عقلی کامل نشده پس شناخت و زشتی کاری که مرتکب می‌شود را متوجه نمی‌شود و نبایستی این مجازات در موردش به کار برد. کنوانسیون حقوق کودک هم به همین نکته اشاره می‌کند و جالبه که دولت ایران به کنوانسیون پیوسته ولیکن جزو معدود کشورهایی است که این مجازات رو اعمال می‌کند و متأسفانه باید بگویم که تقریباً ۹۰ کودک- مجرم در ایران حکم اعدام گرفتند، در زندان هستند و در صف مرگ‌اند و این ننگ‌آور است، ننگ‌آور است هم برای حکومت ایران، هم برای یونیسف، من بارها و بارها رفتم با یونیسف صحبت کردم که چرا اعتراض نمی‌کنید؟ می‌دانید چه جواب دادند گفتند قرارداد ما با دولت ایران در مورد بهداشت و سلامت کودکان است، به ما گفتند دخالت نکنید؛ من شکایت را به یونیسف کل کردم که چنین چیزی هست، گفتند ما اعتراض می‌کنیم، معمولاً -البته یک اعتراض الکی هم روی کاغذ، گاهی انجام می‌دهند - بعد گفتند در یک جلسه‌ای که با بالاتر از یونیسف ایران، یعنی منطقه‌ای گذاشته بودیم گفتیم این ننگ است به خدا، گفتند چکار کنیم که دولت ایران متوجه شود؟ گفتیم یک کار خیلی ساده، شما بیایید یک کنفرانس بین‌المللی برگزار کنید و یک تعداد حقوقدان از کشورهای که مجازات اعدام برای کودکان را ندارند و حذف کردند و ضمناً مسلمان هم هستند مثلاً سنگال دعوت کنید و از آنها سوال کنید با چه استدلالی شما به عنوان یک کشور مسلمان توانستید این مجازات را برای افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع کنید، بگذارید دولت ایران بشنود شاید خجالت بکشد و بداند که به این شکل قانون داشتن درست نیست، اما این را هم انجام ندادند. به هر حال گفتیم یونیسف کم کاری می‌کند ولی مخالفت جامعه مدنی ایران با اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال بسیار زیاد است .

خانم عبادی من به عنوان روزنامه‌نگار و دانش‌آموخته حقوق، که همیشه این موضوع را رصد کرده‌ام شاهد چهار دهه تلاش شما برای توقف مجازات مرگ برای کودکان بوده‌ام ولی این تلاش‌ها تا حالا به نتیجه نرسیده و همانطور که می‌فرمایید الان حدود ۱۰۰ نوجوان و کودک منتظر مجازات مرگ هستند، به نظر شما دلیل اصلی آن چیست و چرا این تلاش‌ها به نتیجه‌ای نرسیده و چرا نتوانستیم رژیم را متقاعد کنیم که این حکم ظالمانه را متوقف کند؟

خانم شیرین عبادی:

ببینید اول باید بگویم که موارد اعدام کودکان در ایران کم شده؛ یعنی مواردی که اجازه می‌دادند کودکان را بتوان محکوم به مجازات مرگ کرد به تدریج کم شده، ولیکن الان برمی‌خوریم به یک مساله‌ای بنام قصاص، که بیشترین احکامی هم که صادر می‌شود در مورد قصاص است. حکومت به شدت ادعا می‌کند که قصاص از قوانین شرعی است و نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند که البته اشتباه می‌کند.

اولین انجمن مربوط به حقوق کودکان را من همراه با چند نفر از دوستانم تاسیس کردیم، تقریباً اگر اشتباه نکنم برمی‌گردد به سال ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۱ به محض اینکه دولت ایران به کنوانسیون ملحق شد ما هم گفتیم باید یک انجمن حمایت از حقوق کودکان تاسیس کنیم. سالها کار می‌کردیم ولیکن ما را به رسمیت نمی‌شناختند تا اینکه بالاخره توانستیم آن را ثبت کنیم. در این انجمن که متأسفانه بعدها از خاصیت هم افتاد به خاطر نفوذی که دولت ایران پیدا کرد و دوست ندارند راجع به مسائلی که به قول خودشان شرعی است کار کنند و دولت ایران نمی‌خواهد خدشه‌ای به قوانینی که تصور می‌کند ناشی از شریعت است وارد کند، در نتیجه حاضر نیست که بگوید قصاص در مورد افراد کمتر از ۱۸ سال اجرا نمی‌شود. آمدند قانون را دور زدند یک کار دیگر کردند و گفتند اگر کودک متوجه نشود که کاری که انجام می‌دهد بد است، قاضی می‌تواند مجازات دیگری برای او تعیین کند. که خوب این هم از آن قوانین بسیار عجیب و خنده‌دار است برای اینکه اولاً با توجه به این که اختیار زندگی یک کودک را می‌دهند دست قاضی- به صورت مبهم باقی می‌ماند - بنابراین یک قاضی ممکن است بگوید که من نظر پزشکی قانونی را نمی‌توانم قبول کند و یکی قبول کند، صرف‌نظر از فعل و انفعالات غیر قانونی که ممکن است در دادگاه صورت بگیرد، اساساً این چیزی نیست که پزشک قانونی تشخیص بدهد، قابل تشخیص برای هیچ

روانشناس و روانکاوی نیست یک امر مبهمی است و همانطور که گفتم متاسفانه قانون و مجازات مرگ در مورد کودکان اجرا می‌شود و این باعث شده که وضع به صورت اسفناک فعلی دربیاد.

در چند سال اخیر ما شاهد بودیم که یک سری از چهره‌های فرهنگی و هنری در ایران تمرکز زیادی گذاشتند روی گذشت و می‌روند و با خانواده‌ها مذاکره می‌کنند یعنی به جای آنکه لغو مجازات اعدام محور تلاش‌ها باشد، مساله گذشت از قصاص محور شده. به نظر شما این چه تاثیری می‌گذارد بر تلاش‌هایی که لغو مجازات اعدام کودکان می‌شود؟

خانم شیرین عبادی:

تاثیر که نمی‌گذارد چون کسانی که مخالف چنین مجازات هولناکی هستند تحت تاثیر قرار نمی‌گیرند و کار خودشان رو انجام میدهند، ولیکن یک زحمت غیر لازمی است که عده‌ای انجام می‌دهند، به جای اینکه بخواهند بروند گل‌ریزان کنند که بیایند دیه را فراهم کنند یا اینکه التماس کنند بیایید ببخشید، بایستی همه نیروموم را روی این مسئله متمرکز بگذاریم که این مجازات بد است و اصلا باید از قوانین حذف شود، اگر هم نمی‌خواهید در مورد همه مجرمین حذف کنید لاقلاً به عنوان گام اول بیایید در مورد افرادی که کمتر از ۱۸ سال مرتکب جرم شدند این مجازات را لغو کنید؛ چندین نوبت من را برای گل‌ریزان تهیه دیه، نه در مورد کودکان ولیکن موارد دیگری دعوت کردند، من حاضر نشدم که در گل‌ریزان دیه شرکت کنم برای اینکه اساساً این قانون غلطه، قصاص قانون اشتباهی است چه در مورد بزرگسالان چه در مورد خردسالان.

به عنوان آخرین سوال بفرمایید با توجه به این چهار دهه تجربه‌ای که در این حوزه دارید برای اینکه بخواهیم مجازات اعدام را لغو کنیم چه گام عملی فکر می‌کنید می‌شود برداشت، هم از طرف جامعه حقوق‌دانها و هم از طرف جامعه سینماگران، هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران؟

خانم شیرین عبادی:

مخالفین اعدام کودکان باید صدای خود را بلندتر کنند به هر شیوه‌ای که می‌توانند، سمینارهای بیشتر، مقالات بیشتر، ساختن فیلم، تئاتر، پوستر، تئاتر خیابانی، به هر شیوه ممکن بایستی صدای مخالفت با این مجازات رعب‌آور و بی‌فایده و خطرناک را بلندتر کرد.

بی‌نهایت سپاس خانم عبادی عزیز برای وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

